حمید سبزواری (شاعر) | امیر حسین فردی (نویسنده) | ابوالفضل عالی (گرافیست) | حسن شایانفر (محقق) | شهید رسول کاظم‌نژاد (عکاس) | شهید احمد زارعی (شاعر) | مهرداد اوستا (شاعر) | حسن روح‌الامین (نقاش) | سیوشنجانی طباطبایی (کاریکاتوریست) | حبیب‌الله معلمی (شاعر) | علیرضا قزوه (شاعر) | محمد علی کودینی (نویسنده) | علی‌محمد مؤدب (شاعر) | محمد مهدی سیار (شاعر) | سیمین‌دخت وحیدی (شاعر) | امیر حسین صلواتیان (تصویرگر)

حاشیه‌نگاری بر بیتی از حافظ / ۲۵

شانه قلم و زلف سخن

علی قربان‌نژاد

خداوند مهربان برای آدمی راه‌های مختلفی قرار داده تا سرانجامش به جهنم ختم نشود. حفظ محبت و دوستی با کسانی که خداوند دوستشان دارد یکی از آن راه‌ها است. بر همین اساس است که در روز حساب و کتاب، در آن روز که نگرانی همه را فرا گرفته شیعیان و دوستداران امیرالمؤمنین(ع) شاد هستند. با این وجود اما در لحظه‌ای نگرانی به جان شیعیان نیز می‌افتد. آن هنگام که حضرت باری‌تعالی می‌خواهد از نعمت ولایت بپرسد که آیا تا چه میزان قدردان آن بوده‌اند و چقدر در مسیر آن از جان و قدم و قلم و آبرو مایه گذاشته‌اند. قطعا کسی نیست که هم پای نعمت بزرگی مانند ولایت قدردان بوده باشد. در این هنگام نیز همان‌گونه که امام رئوف؛ علی بن موسی الرضا(ع) ضامن جان آهو شد امیرالمؤمنین(ع) ضامن شیعیان و دوستدارانش می‌شود.

تو کیستی که من این سان ز روی تو خجلم؟!

به راستی که سپاس و ستایش خداوندی را که بر ما منت نهاد و ما را از متمسکان به ولایت امیرالمؤمنین(ع) قرار دارد. هرگاه که این بیت از حضرت استاد را می‌خوانم تو گویی او به زبان فارسی و به بیان شعر دارد می‌گوید: الحمدالله الذی جعلنا من المتمسکین بولایت امیرالمؤمنین(ع):

شکر ایزد که میان من و او صلح افتاد
صوفیان رقص‌کنان ساغر شکرانه زدند

در نوبت قبل به عرض رسید که به گمان این قلم الکن حافظ در ابتدا بر مذهب اهل سنت بوده و سپس به شیعه گرویده است. این سخن نیز بر اساس بیت فوق و بیت ماقبل این بیت است که مطالب آن در سه نوبت قبل قابل دریافت است. همانند مذهب حافظ مطالب و مسائل زیادی هست که نیازمند آن است تا دوباره با دقت فراوان مورد بررسی قرار گیرد. برای نمونه اشعاری که گفته می‌شود برای خیام است. حکیم «غیاث‌الدین ابوالفتح عُمَر بن ابراهیم خَیّام نیشابوری» دانشمند و عالمی کامل بود که به این سبب به او لقب «حجت‌الحق» داده بودند. او در فقه و علوم دینی و نیز ریاضیات، فلسفه، ستاره‌شناسی و... استاد بود. پیش از این نیز یک رباعی از جمله رباعیات منسوب به وی را مورد بررسی قرار دادم و فی‌الحال برای روشن شدن بحث یک رباعی دیگر از جمله اشعار منسوب به وی را ببینیم:

گویند بهشت و حور عین خواهد بود
آنجا می‌ناب و انگبین خواهد بود
گر ما می و معشوق گزیدیم چه باک
چون عاقبت کار چنین خواهد بود

می‌خواهم به این نکته توجه کنیم که آیا از شخصیتی چون خیام چنین چیزی ممکن است یا نه؟! شاعر در این رباعی می‌گوید که در بهشت «حورالعین» و می‌ناب است و حال که ما در این دنیا می و معشوق گزیده‌ایم چه باک؟ چرا که قرار است پاداش ما در بهشت همین‌ها باشد.

اینکه باور ندارم این‌گونه رباعیات از خیام نیشابوری باشد به همین دلیل است. او عالمی آگاه به قرآن و حدیث بوده و در اکثر علوم زمان خود سرآمد بوده است. حال باید ببینیم که این «همانندی» که در شعر فوق مفروض گرفته شده آیا واقعا درست است یا نه؟ شراب بهشتی در مصحف عزیز چه گونه ترسیم شده است؟! سوره‌های «صافات» و «واقعه» دو نمونه‌ای هستند که در آنها شراب بهشتی ترسیم شده است. در سوره صافات می‌خوانیم: «گرداگرد آنها قدح‌های لبریز از شراب طهور را می‌گردانند. شرابی که نه در آن مایه فساد عقل است نه موجب مستی می‌گردد.»

همچنین در سوره واقعه آمده است: «...با قدح‌ها و کوزه‌ها و جام‌هایی از نهرهای جاری بهشتی (و شراب طهور). اما شرابی که از آن دردسر نمی‌گیرند و نه مست می‌شوند.»

پس شراب طهور بهشتی چنان که در مصحف عزیز آمده هیچ تناسبی با شراب این دنیا ندارد. خداوند متعال در این آیات می‌خواهد تفاوت شراب این دنیا را با شراب طهور به ما آدمیان گوشزد کند. پیش از این نیز به عرض رساندم که خداوند مهربان‌تر از آن است که چیزی را به سبب قدرت‌نمایی خویش ممنوع کند. هر چه ممنوع شده حتما برای انسان مضراتی دارد. حال این ضررها یا برای جسم اوست یا برای روان او و یا برای هر دو. در آیه‌ای دیگر از مصحف شریف بر این تاکید شده که شراب دنیایی ممکن است فوایدی هم داشته باشد اما ضررهای آن خیلی بیشتر از فایده آن است و انسان عاقل برای خاطر یک فایده تعدادی ضرر را به جانب خویش روانه نمی‌سازد.

پس مشخص شد که می و شراب این دنیایی هیچ نسبت و تناسبی با شراب طهور آن دنیا ندارند. در اینجا لازم است یک نکته مهم را به عرض برسانم. هر لذتی که در این دنیا هست سایه‌ای از لذت اصلی است که در آن عالم ممکن است نصیب انسان شود. عرض کردم سایه برای آنکه تفاوت را برسانم. فرض کنید به سایه شخصی نگاه می‌کنید و سپس به خود او. تفاوت تا چه حد است میان نگاه کردن به سایه و نگاه به خود فرد؟! بی‌شک به قدری زیاد است که وصف آن مشکل می‌نماید. تفاوت میان لذت‌های این دنیا و اصل آن لذت‌ها در عالم دیگر مانند تفاوت میان سایه فرد و خود فرد است.

برای درک بهتر شرح یک نمونه کارگشاست. همسر یکی از افرادی که دچار مرگ موقت شده بود می‌گفت مدت ده سال از آن واقعه گذشته و او به ندرت میوه می‌خورد! وقتی از او دلیل این موضوع پرسیده شد پاسخی حیرت‌آور داد. او گفت در آن عالم مزه چند میوه را چشیده و برای آنکه طعم آن میوه‌ها از ضمیرش محو و پاک نشود میوه‌های این دنیا را نمی‌خورد. ببینید تفاوت تا چه حد است. هدف از ذکر این موارد این بود که به عرض برسانم حتی در مواردی از پاداش اهل بهشت که لذات آن شبیه لذات این دنیایی می‌نماید (مانند خوردن میوه) آن‌قدر تفاوت وجود دارد که هیچ عقل سلیمی آنها را یکی نمی‌پندارد. حال چه برسد به مواردی مانند شراب طهور بهشتی و شراب زایل‌کننده عقل در این دنیا. ضمن آنکه باید دانست که در ادبیات عرب به هر چیز نوشیدنی «شراب» گفته می‌شود.

در مورد حورالعین نیز آنچه در این مقال قابل ذکر است این است که به عقیده این قلم الکن تفاوت‌هایی میان معاشقه در این دنیا و در عالم دیگر وجود دارد. آنجا هر چیزی در جهت تکامل است. نه اینکه لذت‌بخش نیست بلکه حتی لذت مشابه این دنیایی آن اصلا قابل قیاس با لذت اُخروی آن نیست. فرصت برای توضیحات بیشتر کم است لکن با همین مقدار هم می‌توان پی برد که نتیجه‌گیری آن رباعی تا چه میزان غلط و نادرست است که گفته: «چون عاقبت کار چنین خواهد بود» این یعنی اصلا قرار نیست عاقبت کار بهشتیان چیزهایی نظیر «می و معشوق» این دنیایی باشد. حال آیا برای شما باورپذیر است که شخصیتی چون خیام که در فقه و قرآن و حدیث و دیگر علوم دینی سرآمد تمام اندیشمندان دوره خود بوده چنین شعری سروده و در آن چنین استدلال غلطی را بیان کرده باشد؟!

به هر روی این سخنان پیش کشیده شد تا این نتیجه‌گیری بیش از پیش رخ بنماید که بسیاری از موارد در تاریخ و تاریخ ادبیات ما هست که نیازمند بررسی مجدد و دقیق است. یکی از این موارد مذهب حضرت استاد است که عرض شد به عقیده این قلم الکن وی در شمار اهل سنت بوده و سپس به شیعه گرویده است. این موضوع از جهاتی دارای اهمیت است. برای نمونه وقتی بخواهیم غزل «بیا که رایت منصور پادشاه رسید» را بررسی کنیم آن وقت خواهیم دید که دانستن مذهب حافظ چه اهمیتی دارد. اگر حضرت حق عمر و توفیقی دهد در آینده به آن غزل خواهیم رسید که «انه ولی التوفیق.»

و اما ادامه غزل مورد بحث. در بررسی این غزل زیبا و پر از رمز و راز حضرت استاد در نوبت قبل به بیت ماقبل آخر رسیدم و آن را به قدر وسع و بضاعت ناچیز خود تشریح کردم. در این ایستگاه با چشمی که به لطف پروردگار خود دارم بیت مقطع این غزل را مورد بررسی قرار می‌دهم. و آن بیت این است:

کس چو حافظ نگشاد از رخ اندیشه نقاب
تا سر زلفِ سخن را به قلَم شانه زدند

این بیت از جهت زیبایی‌شناسی شعری یک بیت فوق‌العاده به شمار می‌رود. بیتی که در آن شاعر عنصر شعریت را در آن به حد اعلا بروز و ظهور داده است. در این بیت یکی از آرایه‌های شعری بیش از دیگر آرایه‌ها رخ می‌نماید و آن آرایه‌ای است که «تشخیص» نام دارد. در آرایه تشخیص اعمال و رفتار و ویژگی‌های انسان به غیر انسان (اعم از حیوانات، حشرات، گیاهان، اشیاء و...) نسبت داده می‌شود.

شاعر برای زیبایی بخشیدن به شعرش به اشیای بی‌جان شخصیت می‌بخشد و یا به جانداران (غیر از انسان) حالات یا ویژگی‌های انسانی را نسبت می‌دهد. البته این صنعت فقط برای اشیاء نیست بلکه برای حیوانات و حتی چیزهایی نظیر «اندیشه» نیز به کار گرفته می‌شود.

چنان که در بیت فوق پیداست شاعر اندیشه را به گونه‌ای ترسیم کرده که گویی صاحب چهره است و بر آن چهره «برقع» یا نقابی قرار داده شده است. شاعر می‌گوید کسی مانند حافظ از رخ اندیشه نقاب را برنداشته است آن هم از آن دم که گیسوان سخن را با قلم شانه کردند. واقعا زیباست. بیایید ببینیم تناسب میان چیزهایی که به هم تشبیه شده‌اند چقدر است چرا که هر چه تناسب میان دو چیزی که به هم تشبیه شده‌اند بیشتر باشد حس زیبایی که به مخاطب منتقل می‌شود در لحظه خواندن اثر بیشتر می‌شود. حافظ سخن یا به قولی جملات را به رشته‌های گیسو تشبیه کرده است. الحق که تشبیهی به غایت دقیق و ظریف است. خط‌های دفتر را که روی آن جملات را می‌نگاریم تصور کنید آن هم در حالی که روی آن خطوط جملاتی نوشته شده است. گویی رشته‌های مو هستند که در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند.

در سوی دیگر حضرت استاد قلم را به شکلی بسیار زیبا و حیرت‌آور به شانه تشبیه کرده است. برای درک بیشتر از این زیبایی به این جملات دقت کنید: وقتی صفحات کاغذ را در مقابل خویش می‌گذاریم تا شروع به نوشتن کنیم این طور می‌توان گفت که تمام کلمات در حیطه زبان ما (در این‌جا فارسی) بر آن صفحات حضوری «بالقوه» دارند. این همه کلمه بر روی صفحه‌ای یا چند صفحه؟! چه آشفته بازاری می‌شود! چرا حضوری بالقوه دارند؟ چون ما از هر کدام از آن کلمات می‌توانیم استفاده کنیم و یا به عبارتی دیگر آن کلمات مترصد این هستند تا با اراده و تصمیم ما از خفا بیرون آمده و بر صفحه کاغذ ظاهر شوند. وقتی ما می‌نویسیم در گزینش هر کلمه تمام امکان‌های دیگر را زایل کرده و تنها یکی را به قطعیت می‌رسانیم. این‌گونه کار قلم تبدیل آن آشفته بازار به یک نظم و «فرم همنشینی» (بافتار) قابل درک و فهم می‌شود. چیزی شبیه به کار شانه وقتی به موهای درهم برهم و آشفته وارد می‌شود و پس از گذشت لحظاتی یک نظم و نظام پسندیده به آن رشته‌های مو می‌بخشد. این کار قلم است.

اما به کار بردن عبارت «تا» در ابتدای مصراع دوم برای من یادآور این فرازها از مصحف عزیز است:

«اقْرَأْ وَرَبُّکَ الأَکْرَمُ / الَّذِی عَلَّمَ بِالْقَلَمِ» از سوره مبارک «علق» که معنای آیات مذکور از این قرآن است: «بخوان و [آگاه باش که او که می‌خوانی اش] پروردگار توست که کریم‌ترین است. همان که به وسیله قلم آموخت...»

یا این آیات «خَلَقَ الْإِنسَانَ / عَلَّمَهُ الْبَیَانَ» از سوره مبارک «الرحمان» که معنای آن این است: «انسان را خلق کرد و به او سخن گفتن و بیان را آموخت»

قلم به اندازه‌ای مهم است که در مصحف عزیز جزو چیزهایی قرار گرفته که آفریدگار مهربان ما به آن سوگند یاد کرده است: «ن و القلم و ما یسطرون» این فرازهای بسیار زیبا ابتدای سوره مبارک «قلم» است و معنایش از این قرار است: «ن / سوگند به قلم و آنچه می‌نویسند...»

باید این نکته را عرض کنم که «قلم» در این مبحث به نوعی «مجاز» است. همچنان که وقتی ما می‌گوییم سماور به جوش آمده منظور ما «آب» داخل آن است و نه خود سماور یا هنگامی که می‌گوییم «تلفن با تو کار دارد» منظور ما شخصی است که در آن سوی خطوط ارتباطی می‌خواهد با شخص مورد نظرش مکالمه کند. در این مورد نیز منظور از قلم ذهن و اراده پرورش یافته است که چگونه کلمات را در پی هم قطار کند که منظور خود را برساند. در مورد هنر شعر اما موضوع فقط رساندن منظور نیست بلکه شاعر کسی است که قلم او (یعنی همان ذهن پرورش‌یافته‌اش) می‌داند کلمات را با چه متر و میزانی گزینش کند و سپس آنها را چه سان به دنبال یکدیگر بنشاند تا از پس فرم همنشینی آنها مخاطب به درک و دریافت زیبایی نایل شود.

بحمدالله و المنه این غزل به پایان رسید اما مباحث آن به گمانم هنوز به پایان نرسیده است. آنچه از اینجا به بعد به عرض می‌رسد نکاتی است که این بنده کمترین به دنبال این غزل به آنها رسیده و در موردشان به تفکر پرداخته است. این یعنی نکاتی که در ادامه می‌آید مسائلی نیست که در این غزل آمده باشد اما با توجه به آنچه در این غزل آمده می‌توان به این نتایج رسید.

اگر خاطر مبارکتان باشد در ابتدای بررسی این غزل به عرض رساندم که برخی معتقد هستند غزل «دوش دیدم که ملائک در میخانه زدند» محصول یک کشف و شهود عارفانه است. برخی نیز بر این باور هستند که یحتمل حافظ در عالم رؤیا چیزهایی دیده و نتیجه آن به این شعر ختم شده است. این نکته را نیز بنده کمترین افزودم که در مواجهه با این اشعار نباید این موضوع را فراموش کنیم که آنچه می‌خوانیم محصول ذهن فعال یک شاعر است و آن ذهن الزاما نباید هر چیزی را تجربه کند تا بتواند به سرایش آن بنشیند.

حال که به توفیق و مدد حضرت باری‌تعالی به پایان غزل رسیدیم با توجه به مباحث مطرح شده می‌خواهم این نکات را به عرض برسانم: چنان که دیدیم نقطه مرکز در غزل مذکور آنجاست که شاعر از «صلح میان خودش و حقیقت (امامت و ولایت امیرالمؤمنین(ع))» سخن می‌گوید. چرا که او «جنگ هفتاد و دو ملت» و «ندیدن حقیقت» توسط آنها و... همه را می‌گوید که به آنجا برسد که از دریافت حقیقت توسط خود یاد کند و برای آن «شکر ایزد» را به‌جای آورد.

حال با این دریافت‌ها به بیت اول مراجعه کنیم و پیش از آن یکی - دو حدیث از ائمه را مرور نماییم. امام باقر(ع) در حدیثی (که در کتاب شریف «بحار الانوار» آمده) فرموده‌اند: «خداوند طینت ما را از اعلی علیین قرار داده است و قلوب شیعیان را نیز از همان قرار داده است... و آنان از آنچه ما خلق شده ایم، خلق شده‌اند.»

شبیه به این معانی از امام صادق(ع) و دیگر ائمه هم روایت شده همچنین امام عصر نیز در فرازی از دعایی فرموده اند: «شیعیان ما از زیادی گل ما آفریده شده‌اند، و با آب ولایت ما عجین شده‌اند.»

این روایات اهمیت فوق‌العاده‌ای دارند. به گمانم نکته‌ای که در پس این روایات مستتر است این موضوع است که در عوالم پیشینی عرضه «ولایت» و «دوستی با پیامبران الهی و حضرت ختمی مرتبت(ع) و اهل بیتش(ع)» نیز در شمار معارف شهودی بوده‌اند که به ارواح ارائه شده است. اگر خاطرتان باشد در یکی از مطالب پیشین عرض شد که وقتی حق‌تعالی در عالم «ذر» از ارواح همه آدمیان پرسید: آیا من پروردگار شما نیستم؟ و همه ارواح در پاسخ گفتند: «بله تو پروردگار مایی» چند و چون همه مشخص شد. اینکه هر کسی به کدام مسیر متمایل می‌شود و سرانجامش چه خواهد شد. در مورد عرضه ولایت و دوستی با دوستان خداوند نیز یحتمل وقتی محبت آنها به ارواح ارائه شد مانند پاسخ سؤال پروردگار همه ارواح آن را پذیرفته‌اند اما میزان خلوص در این محبت و مقدار نفوذ آن در اعماق ماهیت ارواح چیزی بوده که در ادامه تعیین‌کننده شده است.

حکما در توضیح خیر و شر می‌گویند: «از آنجا که خداوند خود خیر مطلق است، هر آنچه که مخلوق اوست، بدون آن که چیزی به آن اضافه شده باشد، خیر است مگر این که وجودی در ارتباط با چیز دیگری باعث فساد شود و یا در مسیر سعادت موجودات دیگر خلل ایجاد کند که سبب ایجاد شری در عالم گردد.»

به این واسطه اگر اثرپذیری روحی از ولایت و عشق به خداوند و عشق به اولیا چندان عمیق نبوده باشد وقتی که آن روح با جسم می‌آمیزد (یعنی چیزی به آن اضافه می‌شود) میل و کششی که جسم مادی ما به دنیا و خطا و... دارد بر آن معرفت کسب شده‌ای که عمیق نبوده چیره می‌شود و موجب فساد می‌گردد. با این وصف مشخص می‌شود که چرا پیش از آمدن ما به این دنیا مشخص بوده که از میان ارواح کدام بر مسیر محبت و ولایت باقی می‌ماند و بر اساس همان است که معصوم می‌فرماید شیعیان ما را از اضافه گِل ما آفریدند.

حال آیا ممکن نیست پس از آن که حافظ به ایمان به «حقیقت» (ولایت و امامت امیرالمؤمنین(ع)) رسیده در یک مکاشفه لحظه آفرینش جسم مادی او را نشانش داده باشند که به او بفهمانند که ما می‌دانستیم ختم کار تو این‌گونه خواهد بود و لذا جسم مادی تو از گِلی که جسم مادی اهل بیت(ع) از آن آفریده شده بود خلق گشته است. در این معنا «میخانه» یعنی جایی که لبریز از محبت به ولایت و سلسله مراتب فیض الهی است. جایی که مقیمان آن دم به دم جام از عشق نبی(ص) و ولی(ع) و اهل بیت(ع) می‌زنند... الله اعلم...

نیازمندی‌های کیهان

قبول آگهی تلفنی
از ساعت ۸ صبح الی ۶ بعدازظهر
تلفن: ۵-۳۳۱۱۲۲۹۲
فکس: ۳۳۱۱۸۰۵۳
niyaz.mandiha@kayhan.ir

۳۳۱۱۰۲۰۲ | ۳۳۱۱۳۵۱۹ | ۳۳۱۱۰۲۱۰ | ۳۳۱۱۸۰۵۰

مرکز: ۳۳۱۱۸۰۵۲ | ۳۳۹۱۱۵۶۸ | ۳۳۱۱۹۲۳۶ | ۳۳۱۱۲۱۹۵ | ۳۳۱۱۲۱۹۳ | ۳۳۱۱۲۲۹۱ | ۳۳۱۱۳۰۸۵ | ۳۳۹۴۲۰۰۰

جنوب: سعدی ۳۳۹۶۲۲۱۱ - ۳۳۹۶۲۲۳۳ | شرق استان تهران ۳۶۲۵۷۰۷۴ | اسلامشهر ۵۶۳۴۴۳۴۳ | چهاردانگه ۵۶۳۵۹۵۹۸

شمال: قلهک ۲۲۶۰۳۶۳۵ | شمیران ۲۲۷۱۲۹۷۶ | مطهری ۸۸۹۰۰۸۶۷ - ۸۸۸۰۱۵۵۲ | شهرآرا ۶۶۵۹۲۲۶۶ -۶۶۵۹۳۰۱۰-۱۱

برگ سبز خودرو سواری هیوندای ستنیال به شماره پلاک ۳۹۴۶۲- اروند ۳۳ به رنگ مشکی مدل ۲۰۱۵ و شماره موتور GABEEU۰۷۴۹۰۴ و شماره شاسی KMHGH۴۱H۵FU۰۹۶۲۰۷ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

سندکمپانی خودرو سواری رنو لوگان L۹۰، رنگ مشکی متالیک، به شماره انتظامی ۲۶۷ ص ۱۴ ایران ۴۶، شماره موتور K۴MA۶۹۰W۰۰۸۷۶۷ و شماره شاسی NAPLSRALD ۸۱۰۳۰۱۶۷ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز موتورسیکلت انژکتوری سیستم کویر تیپ CC۲۰۰ مدل ۱۴۰۱ به رنگ قرمز به شماره پلاک ۷۶۵۷۲ ایران ۵۸۹ به شماره موتور ۰۲۰۰N۳C۴۴۲۲۶۳ به شماره شاسی N۳CCDFF۳۰NEH۰۷۷۸۰ مربوط به مهدی عبادی کلهودشتی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز و سند کمپانی خودرو سواری پژوپارس مدل ۱۴۰۲ به شماره پلاک ۳۶ط۳۷۲ ایران ۱۳ و شماره موتور ۱۶۷B۰۱۶۴۹۵۵ و شماره شاسی NAAN۱۱FE۵NK۱۸۷۹۸۰ به نام امیر مختاری به کد ملی ۱۲۷۳۶۴۷۱۵۷ مفقود شده از درجه اعتبار ساقط است. زرین‌شهر.

سند کمپانی موتورسیکلت پرواز ۱۲۵ مدل ۱۴۰۱ به شماره پلاک ۶۹۸-۹۳۹۱۳ مفقود گردیده ازدرج اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز و سند کمپانی خودرو سواری سیستم پراید تیپ جی تی ایکس آی به شماره انتظامی ۵۷۹ب ۸۵- ایران ۲۹ به رنگ بژ متالیک مدل ۱۳۸۵ و شماره موتور ۱۵۰۰۱۴۹ و شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۵۲۱۰۳۴۵ بنام خانم صفورا لطفی بشماره ملی ۳۳۳۰۱۴۲۸۷۱ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

آگهی فقدان مدرک تحصیلی (نوبت سوم)
مدرک فارغ‌التحصیلی اینجانب محبوبه خوب‌بخت فرزند زین‌العابدین به شماره شناسنامه ۲۵۲۳ صادره از تهران در مقطع کارشناسی رشته روانشناسی کودک صادره از واحد دانشگاهی تهران مرکزی با شماره ۱۳۹۸۲۶-۲۷۱۲ و تاریخ ۱۳۸۰/۱۲/۸ مفقود گردیده است، از یابنده تقاضا می‌گردد اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی به نشانی: تهران، سوهانک، بلوار ارتش، میدان قائم، خیابان خندان، خیابان سلماس ارسال نمایید.

برگ سبز و سند کمپانی خودرو وانت مزدا ۲۰۰۰ مدل ۱۳۸۳ رنگ آبی- متالیک به شماره شهربانی ۹۳۶ هـ ۲۵ ایران ۸۲ و شماره موتور ۴۵۶۱۸۸ و شماره شاسی ۸۲۲۰۰۰۳۴۹۶ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز، سند کمپانی و کارت مشخصات خودرو سواری صبا GTX به شماره پلاک ۶۸۳ ج ۵۹- ایران ۱۴ به رنگ سفید شیری مدل ۱۳۸۵ و شماره موتور ۱۶۴۲۱۴۷ و شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۵۹۱۵۱۳۸ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز خودرو سواری هیوندای آزرا ۳۳۰۰ به شماره پلاک ۷۴۷م۹۷- ایران ۱۴ به رنگ سفید روغنی مدل ۲۰۰۹ و شماره موتور G۶DBAA۲۸۴۳۱۱ و شماره شاسی KMHFC۴۱DP۹A۴۱۶۰۴۵ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

سند کمپانی خودرو سواری هاچبک سایپا QUIK-MT به شماره پلاک ۹۸۵ ی ۷۱- ایران ۳۴ به رنگ سفید مدل ۱۴۰۰ و شماره موتور M۱۵/۹۳۰۴۸۳۰ و شماره شاسی NAS۸۴۱۱۰۰M۳۳۷۲۵۴۹ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز خودرو سواری پراید جی‌ال‌ایکس آی به شماره پلاک ۱۵۱ س ۵۷- ایران ۱۴ به رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۸۷ و شماره موتور ۲۶۴۰۵۴۵ و شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۷۵۴۸۷۷۱ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز خودروی سواری پراید به شماره انتظامی ۲۵۵ د ۵۹ ایران ۸۷ با شماره موتور ۲۲۰۰۷۲۹ و شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۶۶۴۴۲۰۴ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز خودرو وانت سایپا تیپ ۱۵۱ مدل ۱۳۹۳ رنگ سفید به شماره موتور ۵۲۵۳۶۲۷ شماره شاسی S۴۵۱۱۰۰E۴۹۳۱۰۱۸ به شماره پلاک ۸۷۶ص۷۳ ایران ۵۱ بنام ساناز محمدی بادخرید مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

جناب آقای علیرضا خاوری فرزند قنبر در راستای اجرای دادنامه‌ها به شماره ۱۴۰۱۹۱۳۹۰۰۱۳۸۶۸۲۸۴ مورخ ۱۴۰۱/۹/۳۰ و رای اصلاحی ۱۴۰۲۹۱۳۹۰۰۰۹۸۶۱۶۵۴ مورخ ۱۴۰۲/۷/۹ صادره از شعبه اول دادگاه عمومی دادگستری شهرستان دماوند مبنی بر الزام شما به مطلقه نمودن همسرتان خانم مبارکه محمدی فرزند خداداد به شما اخطار می‌گردد جهت اجرای دادنامه و ثبت طلاق ظرف مهلت یک هفته از تاریخ چاپ آگهی در دفترخانه طلاق شماره یک دماوند به نشانی: شهرستان دماوند- شهر دماوند بلوار امام خمینی- جنب بانک ملی- کوچه درخشان پلاک ۲ حضور یابید. در صورت عدم حضور در مهلت قانونی مطابق مقررات اقدام خواهد شد و به مراجع مربوطه اطلاع داده می‌شود و اعتراض بعدی مسموع می‌باشد.
سردفتر طلاق شماره یک دماوند- مصطفی لاسمعی

اسامی ۶ نفر از فرزندان تحت پوشش شیرخوارگاه حضرت رقیه (س)

نام کودک: پرهام
تاریخ تولد: ۱۳۹۸
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۳/۲۴
ارجاع دهنده: اورژانس اجتماعی

نام کودک: محمد مهدی راحت
تاریخ تولد: ۹۷/۱۲/۶
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۳/۲۴
ارجاع دهنده: اورژانس اجتماعی

نام کودک: رامتین نجفی
تاریخ تولد: ۱۳۹۷
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۳/۳۰
ارجاع دهنده: اورژانس اجتماعی

اسامی ۴ نفر از فرزندان تحت پوشش شیرخوارگاه یاد گل نرگس

نام و نام خانوادگی: میترا نیک‌پور
نام پدر: امیر
تاریخ تولد: ۱۳۹۵/۵/۲۳
کد ملی: ۷۴۵۰۲۹۴۹۷۴

نام کودک: علی بخشایش
تاریخ تولد: ۱۳۹۷
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۲۶
ارجاع دهنده: اورژانس اجتماعی

نام کودک: سروش دارابی
تاریخ تولد: ۹۷/۵/۱۴
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۲/۹
ارجاع دهنده: اورژانس اجتماعی

نام کودک: امیر کیان شکری
تاریخ تولد: ۹۸/۱۰/۲۶
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۴/۴
ارجاع دهنده: اورژانس اجتماعی

بنایی و خدمات
اجرای ساخت سوله از پی تا کلید
نقد و اقساط (حومه تهران و البرز)
۰۹۱۲۷۶۷۳۵۹۶

حمل و نقل
متصدی حمل هوایی زمینی دریایی و ریلی کالای وارداتی صادراتی ترانزیت، بازرگانی و ترخیص کالا
۰۹۱۲۳۵۷۶۵۷۶

تدریس خصوصی
تربیت مربی زبان‌آموزی قرآن بشارت حضوری- آنلاین
۷۷۵۸۲۰۲۶ -۷۷۵۸۲۰۲۷

خرید و فروش انواع خودرو
«خریدار نقدی فرسوده»
انواع خودرو و تمام مدل‌ها حتی مدارک ناقص و موتور سوخته
۰۹۱۲۲۵۸۶۸۴۲
۰۹۱۲۰۷۰۶۴۸۷

استخدام

دعوت به همکاری
مؤسسه‌ای از افرادی با شرایط زیر برای بخش های کارگری و کارمندی خود دعوت به همکاری می‌نماید.
- واحد فنی : ۴ نفر مرد - با تحصیلات دیپلم به بالا
- واحد خدمات: ۵ نفر مرد - با تحصیلات دیپلم به بالا
- نگهبان : جهت تکمیل کادر انتظامات - ۳ نفرمرد با تحصیلات دیپلم به بالا
- واحد توزیع : ۳ نفر مرد (ترجیحاً با وسیله نقلیه)
- امور مالی : ۳ نفر مرد - با مدرک تحصیلی لیسانس حسابداری
- امور اداری : ۳ نفر مرد - با مدرک تحصیلی فوق دیپلم به بالا

آشنایی متقاضیان واحدهای مالی و اداری با نرم‌افزارهای مربوطه الزامی است.
واجدین شرایط می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر با تلفن ۳۳۱۱۸۳۳۳-۰۲۱ تماس حاصل نمایند.

قبول آگهی تلفنی
از ۸ الی ۱۸
تلفن: ۹-۳۳۱۱۲۲۹۱ و فکس ۳۳۱۱۸۰۵۳

آگهی مناقصه عمومی (نوبت اول - شماره ۱۳۹/پ/۱۴۰۲)
(عملیات سنگجوری خاک نسوز در انبار محصولات)
شرکت تهیه وتولید خاک نسوز استقلال آباده در نظر دارد عملیات سنگجوری در انبار محصولات معدن استقلال را به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید. لذا بدینوسیله از پیمانکارانی واجد شرایط ، درخواست می‌گردد جهت دریافت اسناد مناقصه به واحد امور پیمانکاران شرکت خاک نسوز استقلال آباده واقع در چهار راه جوادیه مراجعه و پس از دریافت اسناد، قیمت پیشنهادی خود را در قالب اسناد مناقصه در پاکت لاک و مهر شده حداکثر تا پایان وقت اداری مورخ ۱۴۰۲/۸/۲۷ به واحد بازرگانی شرکت تسلیم نمایند.

شرایط و فرم اشتراک نشریات کیهان در تهران سال ۱۴۰۲

متقاضیان محترم می‌توانند با توجه به جدول زیر نسبت به انتخاب هر یک از نشریات مورد علاقه و واریز مبلغ اشتراک به شماره کارت **۶۱۰۴۳۳۸۹۸۷۹۴۸۷۷۱** بانک ملت به نام چاپ و انتشارات کیهان و ارسال اصل فیش بانکی همراه با فرم تکمیل شده ذیل به صندوق پستی **۱۱۳۶۵/۳۶۳۱** با پست سفارشی نسبت به برقراری اشتراک خود اقدام نمایند.

نوع نشریه	یکساله (ریال)	شش ماهه (ریال)	سه ماهه (ریال)
روزنامه کیهان	۳۶/۰۰۰/۰۰۰	۱۸/۰۰۰/۰۰۰	۹/۰۰۰/۰۰۰
روزنامه کیهان انگلیسی	۹۶/۰۰۰/۰۰۰	۴۸/۰۰۰/۰۰۰	۲۴/۰۰۰/۰۰۰
روزنامه کیهان عربی	۹۶/۰۰۰/۰۰۰	۴۸/۰۰۰/۰۰۰	۲۴/۰۰۰/۰۰۰
مجله کیهان ورزشی	۱۶/۶۴۰/۰۰۰	۸/۳۲۰/۰۰۰	۴/۱۶۰/۰۰۰
مجله زن روز	۱۶/۶۴۰/۰۰۰	۸/۳۲۰/۰۰۰	۴/۱۶۰/۰۰۰
مجله کیهان بچه‌ها	۸/۳۲۰/۰۰۰	۴/۱۶۰/۰۰۰	۲/۰۸۰/۰۰۰
مجله کیهان فرهنگی	۱/۲۸۰/۰۰۰	———	———

توجه
۱- اشتراک عزیزانی که فرم درخواست آنها تا دهم هر ماه به امور مشترکین برسد از اول ماه بعد برقرار می‌شود.
۲- یک نسخه از کپی فیش بانکی و قبض سفارشی را تا پایان مدت اشتراک حتما نزد خود نگهداری نمائید.
۳- در صورت تغییر قیمت نشریات و یا هزینه پستی، معادل مبلغ پرداخت‌شده، نشریه مورد تقاضا ارسال می‌گردد.
۴- در صورت تمایل به اشتراک چند نشریه، برای هر کدام ف